



**نداء نصحی:  
حقوق و  
دستمزدی که  
به ما معلمان  
پرداخت می‌شود  
در مقابل کاری که  
انجام می‌دهیم  
بسیار پایین  
است و کفاف  
دخل و خرج  
زندگی مان را  
نمی‌دهد**

بتواند وارد بازار کار شود و از طریق آن به کسب درآمد برسد. فرق دروس مهارتی و تئوری در همین است که دانش آموز اطلاعات و تجربیات بیشتری به دست می‌آورد و آگاهانه‌تر و اصولی‌تر با مباحث آشنا شده و طبیعتاً عملکرد موفقیت‌آمیزتری در آینده شغلی خود خواهد داشت.»

نصوحی ادامه می‌دهد: «در سال‌های اول تدریس در هنرستان، چند دانش‌آموز داشتیم که با علاقه سرکلاس حاضر می‌شدند و به فعالیت در این رشته خیلی علاقه‌مند بودند، چند سال بعد از این‌که فارغ‌التحصیل شدند یکی از آنها با من تماس گرفت و گفت که خانم نصوحی به واسطه آموزش‌های کلاسی‌تان اکنون در نمایشگاهی شرکت کردم و محصولات را به نمایش گذاشتم و دوست دارم شما را در این نمایشگاه ببینم و از زحمات‌تان قدردانی کنم. وقتی این جملات را از شاگردم شنیدم شوکه شدم و تمام روز از خوشحالی مدام لبخند می‌زدم و شاکر بودم که توانستم در موفقیت دانش‌آموزم سهمی داشته باشم؛ این یکی از شیرین‌ترین خاطراتم در طول دوران تدریس بوده و خاطرات تلخی هم داشتم که مربوط به ترک تحصیل دانش‌آموزانم به علت مشکلات مالی و... بوده که امیدوارم دیگر شاهد چنین اتفاقاتی نباشم.» این معلم که اصالتاً اصفهانی است و اکنون در شهر تهران مشغول تدریس است به دغدغه‌هایش اشاره می‌کند و می‌گوید: «حدود چهار سال است که به تهران آمده‌ام و اکنون مستاجر هستم و واقعیتش این است که حقوق و دستمزدی که به ما معلمان پرداخت می‌شود در مقابل کاری که انجام می‌دهیم بسیار پایین است و کفاف دخل و خرج زندگی مان را نمی‌دهد. پایین‌ترین حقوق اداره کار بدون هیچ نوع حق پاداش و مزایایی دریافت می‌کنیم و آن هم به صورت نامنظم پرداخت می‌شود که نمی‌توان روی آن حسابی باز کرد و در فصل تابستان هم معمولاً حقوقی به واسطه نوع قراردادمان دریافت نمی‌کنیم که این آزاردهنده است. امیدوارم چاره‌ای برای این معضل اندیشیده شود؛ چرا که پایین‌ترین دستمزد یک کارمند دولت را داریم و وضعیت پرونده استخدام مان مشخص نیست. اگر این مشکلات رفع شود قاعدتاً با آرامش و اشتیاق بیشتری به فعالیت در این عرصه ادامه خواهیم داد.

یکی از اهداف و آرزوهایم این است که روزی بتوانم یک مجموعه یا سازمانی ایجاد و طراحی کنم که به دانش‌آموزان رشته چرم و نوجوانانی که علاقه به فعالیت در این رشته دارند، آموزش‌های مفید و مؤثری بدهم و فضایی ایجاد کنم که هم امکان آموزش و هم امکان ارائه محصولات تولیدی‌شان به بازار کار را داشته باشند و از این طریق برای دانش‌آموزان کم‌بضاعت شرایطی فراهم کنم که بتوانم مواد اولیه مورد استفاده در این رشته را تهیه و در اختیارشان قرار دهم تا هم آموزش مهارتی ببینند و هم در آینده از این طریق به درآمدزایی برسند و به نوعی این‌گونه از مسیر امنی وارد بازار کار شوند.»

هستند، سعی می‌کنم رابطه‌ای دوستانه و صمیمی با آنها داشته باشم.

رشته‌ای که تدریس می‌کنم مهارتی و کارگاهی است و تقریباً یک روز کامل با دانش‌آموزان هر کلاس سروکار دارم و اگر این جو دوستانه را برقرار نکنم، قطعاً نمی‌شود فضای کلاس را طوری حفظ کرد که دانش‌آموزان سر کلاس حضور یابند و زود خسته نشوند. ما معلم‌ها مشاور نیستیم و نمی‌توانیم به دانش‌آموزان مشاوره بدهیم اما به‌شخصه سعی می‌کنم پای صحبت‌های‌شان بنشینم و درک‌شان. همه تلاش‌م بر این بوده مطالب مفید و مؤثری به دانش‌آموزانم ارائه دهم و کمک‌شان کنم از تمام نکات مربوط به این رشته و حتی محیط بازار کار آگاه شوند تا بتوانند در آینده موفق باشند و اگر علاقه به ادامه فعالیت در این رشته داشتند هدفی برای آن ترسیم کنند.

در دروس مهارتی و کارگاهی معمولاً ۸ ساعت در روز با دانش‌آموزان کلاس دارم و تلاش می‌کنم در این مدت بهترین مطالب آموزشی را در اختیارشان بگذارم و فعالیت‌م را محدود به آموزش تئوری نمی‌کنم. چون دانش‌آموز کار دانش باید طوری پرورش پیدا کند که بعد از فارغ‌التحصیلی

علاقه دارم. چرا که این شغل انسان را پویاتر می‌کند و شرایطی به وجود می‌آورد که مدام در حال به‌روزرسانی اطلاعاتت باشی و مهم‌تر از همه امکان ارتباط‌گیری با نسل‌های جوان‌تر را به شخص می‌دهد. تنها معلم خانواده ما، خاله‌ام بود و همیشه او را تحسین می‌کردم و دوست داشتم مثل او معلمی دلسوز و موفق باشم و شاید یکی از دلایلی که در این مسیر قدم گذاشتم همین بود. البته هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم بتوانم معلم شوم اما وقتی در جمع خانواده هستم برایم تعریف می‌کنند که در کودکی هر وقت به مهمانی می‌رفتیم، هنگام بازی با هم‌سن و سال‌هایم من نقش معلم را بازی می‌کردم که این نشان می‌دهد از همان سنین کم‌میل به تدریس داشتم و خوشبختانه اکنون در این حوزه مشغول به کار هستم.

اگر دوباره به عقب برگردم صد درصد معلمی را انتخاب می‌کنم. همه مشاغل سختی‌های خاص خود را دارند و معلمی هم فشار کار بالایی دارد و ممکن است گاهی از آن خسته شوم اما بعد از چند روز دوباره با اشتیاق سرکلاس حاضر می‌شوم و سعی می‌کنم نوآوری‌هایی در شیوه تدریس داشته باشم و مطالب به‌روزتری در اختیار دانش‌آموزانم قرار دهم تا بتوانند در آینده که وارد بازار کار مربوط به این رشته شدند، موفقیت‌هایی کسب کنند.» او می‌گوید: «دانش‌آموزانی که با آنها سروکار دارم در سن نوجوانی به سر می‌برند و بسیار فعال و پرنرژ و احساساتی



مستقیم  
مستقیم